

عوامل اجتماعی مؤثر بر آنومی در بین دانش آموز

«نسرین پنجه پور (*)»

چکیده:

آنومی به معنای ابهام، فقدان و تعارض هنجارها، به عنوان یکی از مسائل اجتماعی ناشی از دوران گذار در هر جامعه حضور دارد، اما جوانی جمعیت و سایر مسائل فرهنگی در جامعه‌ی ما ابعاد و اهمیت ویژه‌ای به این مفهوم بخشیده است.

سؤال‌های اصلی تحقیق حاضر این است که آیا اصولاً در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی آنومی وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد میزان و علل مؤثر بر آن چیست؟ به این ترتیب هدف پژوهش شناخت آنومی و ابعاد آن و علل تأثیرگذار بر آنومی در بین نوجوانان دختر و پسر می‌باشد.

در این تحقیق «آنومی» به عنوان متغیر وابسته در دو بعد ذهنی نارضایتی، بدبینی و آنومیا و در بعد عینی عدم رعایت هنجارها مورد بررسی قرار می‌گیرد و عواملی از قبیل سن، جنس، رابطه با خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان تفاوت ارزشی با والدین، مشارکت و نظارت اجتماعی، نیز متغیرهای مستقل پژوهش حاضر می‌باشد.

جامعه‌ی آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان در حال تحصیل در دو دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان در سال ۸۰-۷۹ می‌باشند. اطلاعات لازم از طریق استخراج ۳۲۰ پرسشنامه، تکمیل و جمع‌آوری شده است. در تحلیل اطلاعات از محاسبات آماری گوناگون، شامل مقایسه فراوانی‌ها و درصدها، آزمون‌های χ^2 ضرایب همبستگی پیرسن و کرامر، آزمون t با دو گروه مستقل و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۶۵/۳٪ از پاسخگویان دچار آنومی در حد متوسط، ۲۰٪ در حد پایین و ۱۴/۷٪ در سطح بالا می‌باشند. افزایش سن پاسخگویان با آنومی رابطه‌ی مستقیم داشته است و دختران نسبت به پسران میزان آنومی بیشتری از خود

نشان داده‌اند. هم‌چنین پیوستگی با خانواده و تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان با آنومی رابطه‌ی مستقیم داشته است و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت و نظارت اجتماعی با آنومی رابطه‌ی معکوس داشته است.

طرح مسأله و هدف:

ارزش‌ها، اساسی‌ترین عنصر در شکل دهی به فرهنگ یک جامعه است و با صورت بخشیدن به هنجارها و الگوهای رفتاری متفاوت مانند: قوانین، آداب و رسوم، عادات و روابط اجتماعی را پیش‌بینی‌پذیر و آسان نموده و در نهایت موجب نظم اجتماعی می‌گردد. جامعه نیز از طریق ضمانت‌های اجرایی رسمی و غیررسمی بر تداوم هنجارها و اعتبار آن صحنه می‌گذارند.

اجزای هر فرهنگ با گذشت زمان تغییر و تبدیل می‌پذیرد. این امر فی نفسه عامل منفی محسوب نمی‌شود. اگر جامعه بتواند در فرآیند تغییر به‌طور مداوم خود را با شرایط جدید سازگار کند، به‌پویایی و تکامل فرهنگی و اجتماعی دست می‌یابد، اما اگر شتاب دگرگونی‌ها چنان باشد که جامعه نتواند متناسب با تغییر ارزش‌ها و هنجارها تحول یابد، حالتی بحرانی بروز می‌کند که در آن ثبات ارزش‌ها و هنجارها دستخوش تزلزل و ابهام گردیده و در حقیقت نوعی خلاء هنجاری یا آنومی و یا آشفتگی اجتماعی بروز می‌کند. در چنین شرایطی:

- ارزش‌ها و هنجارهای سنتی به‌طور نسبی یا مطلق اعتبار خود را از دست داده و دگرگونی شدیدی در باورها و ارزش‌های مشترک روی می‌دهد.

- ارزش‌ها و هنجارهای نوین، تثبیت نشده و در تضاد با الگوهای رفتاری گذشته قرار می‌گیرد.

(*) کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و همکار فرهنگی



- «جامعه نفوذ نظارت کننده‌ی خود را بر گرایش‌های فردی از دست داده» (کوزر: ۱۳۷۳، ص ۱۹۲) و در نتیجه «افراد به‌سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماعی آشتی برقرار کنند»؛ (ساروخانی: ۱۳۷۰، ص ۱۲۸)

- در عمل نوعی ابهام در الگوهای رفتاری، بی‌ثباتی، بی‌قانونی، و بی‌نظمی در هنجارهای اجتماعی حاکم می‌گردد.

به‌عبارت دیگر دامنه‌ی پیروی از هنجارها وسیع‌تر و پراکنده‌تر و توافق هنجاری حاصل از آن بسیار کم خواهد شد و در نتیجه فشار هنجاری که موجب هم‌نوایی و هم‌شکلی در جامعه می‌گردد، کاهش می‌یابد.

آنومی (بی‌هنجاری) از مسائل مبتلابه جوامع در حال گذار است. کشور ما نیز در شمار آن دسته از جوامعی است که گذار از وضعیت سنتی به وضعیت نوین را تجربه می‌کند. شواهد و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که جامعه‌ی ما با پدیده‌ی آنومی به‌عنوان یک بیماری اجتماعی مواجه است. اگر چه همه‌ی اقشار جامعه با این پدیده اجتماعی درگیرند، اما بروز آنومی در بین نوجوانان و جوانان که آینده‌سازان و مسؤولان آتی کشور خواهند بود، تأثیرات پایدارتری بر جای می‌گذارد و می‌تواند موجب بحران هویت، زمینه‌سازی انواع انحرافات و تغییرات فرهنگی پیش‌بینی نشده گردد.

نسل جوان ما به‌جامعه‌ای تعلق دارد که ارزش‌ها و هنجارهای آن هر دم در حال تغییر است و این ارزش‌ها و هنجارها نمی‌تواند فرد را به‌سوی هدف هدایت نماید، مشکل، زمانی پیچیده‌تر می‌شود که این «مسافر مجهز نشده» بدون تجهیزات و توشه‌ی کافی برای زندگی اجتماعی پای در راه «آینده» می‌گذارد و در تلاطم امواج، فردی که خود هنوز سرگردان، بلاتکلیف و بی‌هدف است، ناگهان در می‌یابد که در قالب نقشی جدید سکان‌دار کشتی دیگری شده است و نمی‌داند آن را به‌کدام سو هدایت کند.

این تحقیق درصدد است تا به‌بررسی و تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد آنومی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی همت گمارد. بر این اساس هدف اصلی، شناخت مفهوم آنومی و شناخت برخی عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد آنومی در بین این دانش‌آموزان می‌باشد، به‌امید آن که با مطالعه در این باب دریچه‌ای نو بر مسائل نوجوانان گشوده و بتوان شرایط مطلوبتری

برای تجهیز محیط اجتماعی نسل فردا و بازسازی بنیادهای پرورشی ایشان فراهم آورد.

اساس نظری تحقیق: در این تحقیق نظریه‌های دورکیم و مرتن و نظریه‌ی نوین کنترل، بیش از سایرین مورد توجه و دقت قرار گرفته است. به‌طور کلی مفهوم آنومی در سطوح خرد، میانه و کلان مطالعه شده است. در قلمرو روان‌شناسی اجتماعی این مفهوم تحت عنوان «آنومیا» (یا نابسامانی) به‌وجه ذهنی، فردی و روانی مسأله پرداخته و اندیشمندانی چون مک آیور و اسرول در این باب نظریه‌هایی را ارائه کرده‌اند. «مک آیور نابسامانی را نقطه‌ی اوج فرآیند غیراجتماعی شدن، پناه بردن فرد به‌نفس خویش و طرد شکاکانه‌ی همه‌ی پیوندهای اجتماعی تعریف می‌کند.» (گولد: ۱۳۷۶، ص ۸۲۸) جامعه‌شناسان آنومی را در سطح میانه و کلان مورد بررسی قرار داده‌اند. دورکیم دو مفهوم همبستگی مکانیکی و ارگانیکی را مطرح می‌سازد. از نظر او در جوامع گذشته افراد جامعه تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و به‌ارزش‌های واحدی وابسته بودند. در این حالت روابط انسانی بر اساس اشتراک در ارزش‌های سنتی، فامیلی و مذهبی استوار بود و به‌علت این که افراد هنوز تمایز اجتماعی نداشتند، انسجام و پیوستگی برقرار بود.

اما در جوامع جدید همبستگی از نوع ارگانیکی است و سازمان اجتماعی بر اساس استقلال فردی شخصیت افراد قرار دارد، زیرا در این جوامع افراد دیگر همانند نیستند، بلکه متفاوتند. به‌اعتقاد دورکیم بحران جامعه‌ی جدید از هم پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندهایی است که فرد را به‌گروه مربوط می‌کند.

به‌نظر دورکیم انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدودند. آن‌ها برخلاف جانوران دیگر با برآورده شدن نیازهای زیستی‌شان سیری نمی‌پذیرند. از دیدگاه او نیازهای جسمانی خود به خود با خصوصیات ساختار زیستی بشر تنظیم می‌شود اما در ساختار زیستی انسان چیزی وجود ندارد که قادر به تنظیم خواسته‌های او باشد. چون انسان نمی‌تواند این احساس سیری‌ناپذیر را محدود نماید، این امر باید با یک نیروی نظم دهنده‌ی بیرونی صورت پذیرد. به‌عبارت دیگر جامعه باید حد متوسط نیازها را مشخص ساخته و از طریق کنترل اجتماعی راه دستیابی به‌هدف را برای اعضای خود روشن سازد.

دورکیم معتقد است: «یکی از عناصر عمده‌ی یکپارچگی، پهنه‌ی



عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر است. از دیدگاه او فراوانی عمل متقابل الگودار، گواه بر درجه‌ی یکپارچگی ارزشی گروه است، یعنی نشان می‌دهد که اعضای گروه در ارزش‌ها و باورهایی سهیم‌اند. به بیان دیگر، جمعیت‌هایی که درجه‌ی توافقشان بالاست، در مقایسه با گروه‌هایی که توافق گروهی‌شان ضعیف است، رفتار انحرافی کمتر دارند.» (کوزر: ۱۳۷۳، صص ۱۸۹-۱۹۰)

از این بحث دورکیم می‌توان نتیجه‌گیری کرد که: هر چه مشارکت افراد در زندگی اجتماعی افزایش یابد، میزان آنومی و تمایل به عدم رعایت هنجارها کاهش خواهد یافت. در حالی که دورکیم معتقد بود نابسامانی و ابهام در اهداف موجب آنومی می‌شود، مرتن معتقد است نابسامانی وسایل و ابزارهای نهادی در ایجاد آنومی نقش دارد. «مرتن هم‌همی صور اختلالات رفتاری را نه یک مسأله آسیب روانی و نه یک مسأله خاص فردی، بلکه به‌عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد» (محسنی تبریزی: ۱۳۷۰، ص ۶۹) او می‌خواهد منشأ فرهنگی و اجتماعی کجروی را تجزیه و تحلیل کند و این نکته را دریابد که چگونه برخی ساختارهای اجتماعی فشارهای معینی را بر افراد وارد می‌آورند و آن‌ها را به‌جای هم‌نوایی، ناهم‌نوا می‌کنند. از نظر مرتن «آنومی زمانی رخ می‌دهد که بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی نوعی گسیختگی ایجاد شود. از این دیدگاه فشار اجتماعی بر ارزش‌های فرهنگی، سازگاری افراد را با دیگران مشکل یا ناممکن می‌سازد. پیامد این امر تغییر رفتار و نگرش‌های اعضای جامعه و ایجاد فشار در جهت شکستن هنجارهاست که موجب ظهور بی‌هنجاری می‌شود.» (Merton:1968,P:215)

اگر چه به نظر می‌رسد مرتن آنومی را برای هرگونه عدم تعادل بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی به‌کار می‌برد، اما او به‌طور روشن بیان می‌کند که «ما باید نخست به تأکید نامتجانس بر اهداف علاقه‌مند باشیم. از دیدگاه او آنومی به‌عدم تعادل بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی اطلاق می‌شود، زمانی که اهداف بیش از وسایل مورد تأکید قرار گیرد.» (Orru:1987,p:120)

مرتن معتقد است طبقات محروم و غیرمرفه و پایین جامعه نسبت به طبقات دیگر شانس بیشتری در استفاده از وسایل و راه‌های نامشروع برای نیل به‌هدف‌های مورد نظر دارند. «به‌این ترتیب در همان طبقاتی که مارکس معتقد است فرآیند بیگانگی در

آن‌ها به‌ظهور می‌رسد، مرتن متوقع عمیق‌ترین تأثیرات آنومی است.» (میزروچی: ۱۳۷۳، ص ۱۶) اما دورکیم معتقد است که «تحقق امیال انسان به‌منابعی بستگی دارد که در دسترس او قرار دارد، بنابراین بینوایان که منابع محدودتری در اختیار دارند، کمتر دچار آنومی می‌شوند.» (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۱۹۲)

بحث مکمل دیدگاه دورکیم و مرتن تحقیق میزروچی است که در یکی از شهرهای ایالت نیویورک انجام داده و نتیجه گرفته است که طبقات متوسط رنج بیشتری را از محدودیت فرصت‌ها احساس می‌کنند. «به‌استناد این یافته‌ها بی‌هنجاری طبقه‌ی پایین با نظر دورکیم نزدیک است که آن را «آرزو کردن آن‌چه دست نیافتنی است» نامید. رسیدن به‌هدف‌های موفقیت‌آمیز طبقه‌ی متوسط به‌دلیل ماهیت آن‌ها خیلی مشکل‌تر از هدف‌های موفقیت‌آمیز عینی طبقه‌ی پایین است (کوزر و روزنبرگ: ۱۳۷۸، ص ۴۴۵).

در قالب نظریه‌های جامعه‌شناختی در تبیین انحراف نظریه‌ی جدید کنترل، که از آثار دورکیم متأثر است، براین بینش اتکا دارد که: «کسانی که با اجتماع خود همبستگی دارند، تمایل به‌تبعیت از مقررات آن دارند، در حالی‌که کسانی که از اجتماع خود بریده‌اند، ممکن است تمایل به‌نقض مقررات داشته باشند.

تراویس هیرشی در این باره نتیجه‌گیری می‌کند که: گروهی‌که اعضای بستگی‌های متقابل قوی داشته باشند، بهتر قادر به‌اعمال کنترل اجتماعی بر اعضای خویش خواهد بود تا گروهی که اعضای آن هم‌بستگی محکمی با هم نداشته باشند. به‌نظر می‌رسد نظریه‌های کنترل، مخصوصاً در مورد بزهکاری نوجوانان کاربرد داشته باشد، زیرا این نوع بزهکاری دقیقاً زمانی اتفاق می‌افتد که نوجوانان علائق و بستگی‌هایشان را به‌خانواده و والدین از دست می‌دهند.» (رابرتسون: ۱۳۷۲، صص ۱۷۷-۱۷۵)

محقق پس از مطالعات و مصاحبه‌های مقدماتی با مسؤولان مدارس و دانش‌آموزان و با تکیه بر نظریه‌های فوق، متغیرهایی را انتخاب نموده است که بر مبنای این متغیرها فرضیه‌های تحقیق تنظیم شده است.

با توجه به‌نظریه‌ی میدانی لوین مبنی بر تأثیرپذیری رفتار از شخصیت و محیط، متغیرهای سن و جنس به‌عنوان عوامل فردی انتخاب گردیده است.

در عوامل خانوادگی متغیرهای پیوستگی با خانواده، تفاوت



شماره ۱۵

پاییز

۱۳۸۱



ارزشی و پایگاه اقتصادی اجتماعی مدنظر قرار گرفته است و در عوامل اجتماعی دو متغیر مشارکت اجتماعی و نظارت اجتماعی مطرح شده است. بنابراین فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

۱ - بین سن دانش‌آموزان و میزان آنومی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

۲ - میان جنسیت و میزان آنومی رابطه وجود دارد.

۳ - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموز و آنومی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

۴ - هر چه میزان پیوستگی با خانواده بیشتر باشد، میزان آنومی کمتر است.

۵ - هر چه تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان بیشتر باشد، میزان آنومی بیشتر است.

۶ - میان میزان نظارت اجتماعی و میزان آنومی رابطه‌ی معکوس وجود دارد.

۷ - بین میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموز و میزان آنومی رابطه‌ی معکوس برقرار است.

توصیف و تبیین داده‌ها:

الف - توصیف داده‌ها: ویژگی‌های جمعیت نمونه به شرح زیر است:

سن پاسخگویان: پاسخگویان در فاصله‌ی سنی بین ۱۹-۱۴ سال می‌باشند. ۴۰٪ از نمونه‌ی مورد بررسی در سن ۱۶-۱۴ سال و ۵۱/۶٪ از آنان ۱۹-۱۶ ساله هستند.

جنس پاسخگویان: ۵۸/۱ درصد از نمونه‌ی مورد بررسی دختر و ۴۱/۹ درصد از حجم نمونه پسر هستند.

سطح تحصیلی: ۱۱/۹ درصد از نمونه در کلاس اول، ۳۰/۹ درصد در کلاس دوم، ۳۰/۲ درصد در کلاس سوم و ۲۶/۹ درصد در دوره پیش‌دانشگاهی به تحصیل مشغول می‌باشند.

رشته‌ی تحصیلی: ۴۶/۳ درصد از پاسخگویان در رشته‌ی تحصیلی ریاضی، فیزیک، ۳۵/۲ درصد در رشته‌ی ادبیات، ۱۱/۹ درصد در رشته‌ی عمومی و ۶/۶ درصد در رشته‌ی تجربی تحصیل می‌کنند.

۱ - توصیف متغیر وابسته: در این تحقیق به منظور سنجش میزان آنومی، دو بعد ذهنی و عینی برای این مفهوم در نظر گرفته شده است. بعد ذهنی آنومی شامل: نارضایتی (فردی و اجتماعی)،

بدبینی (نسبت به گذشته و آینده) و آنومی فردی (آنومیا) و بعد عینی آنومی شامل: عدم رعایت هنجارهای رسمی و غیررسمی می‌باشد.

براساس کل نمره‌ی محاسبه شده ۶۵/۳ درصد از پاسخگویان دارای آنومی در حد متوسط، ۲۰ درصد در سطح پایین و ۱۴/۷ درصد دارای آنومی در سطح بالا می‌باشند.

۲ - توصیف متغیرهای مستقل:

متغیر روابط خانوادگی: این متغیر با معرف‌های میزان علاقه به خانواده، احترام به فرد در خانواده، درک متقابل فرد و والدین، رابطه والدین با یکدیگر، میزان پیوستگی عاطفی فرد با خانواده و سنجش رضایت کلی فرد از خانواده مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که به طور متوسط اکثر دانش‌آموزان (۶۱/۷ درصد) با خانواده‌ی خود روابط نزدیکی دارند.

متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی: به منظور سنجش این متغیر ابعاد عینی تحصیلات والدین، شغل پدر و نوع محل تحصیل فرد و بعد ذهنی یعنی کفایت درآمد در جهت رفع نیازهای خانواده مدنظر قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۴۵/۶٪ از افراد متوسط، ۳۱/۳ درصد پایین و ۲۳/۱ درصد بالا می‌باشند.

متغیر تفاوت ارزشی: این متغیر در قالب ارزش‌های مذهبی و ارزش‌های اجتماعی مورد پرسش قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از نظر دانش‌آموزان اگر چه بین آن‌ها با والدین‌شان تفاوت ارزشی شدیدی وجود ندارد، اما تفاوت در زمینه ارزش‌های مذهبی قابل توجه به نظر می‌رسد.

متغیر مشارکت اجتماعی: این متغیر از طریق سنجش درگیری شدن فرد در امور منزل، فعالیت‌های درسی، غیردرسی، کمک به دوستان، شرکت در فعالیت‌های پرورشی، ورزشی، هنری و مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که به طور متوسط ۴۱/۷ درصد از دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارند.

متغیر نظارت اجتماعی: این متغیر در قالب نظارت بیرونی توسط خانواده و نظارت درونی توسط تعهدات مذهبی مورد مطالعه قرار گرفته است. در مجموع از دیدگاه اکثر دانش‌آموزان خانواده بر رفتار و اعمال ایشان نظارت داشته و از فرد انتظار دارد

که هنجارها را رعایت کند.

ب - تبیین داده‌ها:

آزمون فرضیه اول: رابطه بین سن و میزان آنومی

جدول شماره ۱: ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیر مستقل	سن	پیوستگی	پایگاه اقتصادی اجتماعی	تفاوت ارزشی	مشارکت اجتماعی	نظارت اجتماعی
آنومی	۰/۱۹۲	-۰/۳۸۷	-۰/۲۶۵	۰/۲۱۳	-۰/۲۵۵	-۰/۱۱۶
	p	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸

ضریب همبستگی بین سن و میزان آنومی در این فرضیه رابطه مثبت (۰/۱۹۲) و معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱ را نشان می‌دهد، یعنی با افزایش سن پاسخ‌گویان میزان آنومی در آنان افزایش می‌یابد و به این ترتیب فرضیه تحقیق دال بر وجود رابطه مستقیم بین سن و آنومی پذیرفته می‌شود و فرض H_0 مبنی بر عدم رابطه بین سن و آنومی رد می‌گردد.

آزمون فرضیه دوم: رابطه بین جنس و میزان آنومی

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر و پسر در ارتباط با آنومی

متغیر وابسته	جنس	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	سطح معنادار
آنومی	دختر	۱۶/۴۶	۱/۰۷۴	۶/۰۴۱	۰/۰۰۰
	پسر	۱۵/۷۴	۱/۰۰۱		

مقایسه‌ی میانگین نمرات دختران نسبت به پسران نشان دهنده‌ی بالاتر بودن میزان آنومی در دختران می‌باشد. اگر چه میانگین نمرات، و جنس نسبت به یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارد، اما در کل بین آنومی و جنسیت پاسخ‌گویان رابطه‌ی معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد و می‌توان گفت فرض H_0 مبنی بر عدم رابطه بین جنسیت و میزان آنومی رد می‌شود و فرض H_1 دال بر وجود رابطه بین نوع جنس و آنومی پذیرفته می‌گردد. آزمون فرضیه سوم: رابطه پیوستگی با خانواده و آنومی:

ضریب همبستگی بین پیوستگی با خانواده و آنومی (-۰/۳۸۷) و سطح معنی‌داری (P < ۰/۰۱) نیز نشان می‌دهد که فرض H_0 مبنی بر عدم رابطه بین این دو متغیر رد شده، و فرض H_1 دال بر وجود رابطه معکوس بین پیوستگی با خانواده و آنومی پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم: رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و آنومی: توجه به ضریب همبستگی بین پایگاه فرد و میزان آنومی

(-۰/۲۶۵) نشان دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر است. یعنی هر چه پایگاه اجتماعی فرد پایین‌تر باشد، میزان آنومی و بی‌هنجاری در وی بالاتر است. و بدین‌سان فرض H_0 مبنی بر عدم رابطه بین دو متغیر فوق رد شده و فرض H_1 مبنی بر رابطه معکوس بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد با آنومی پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه پنجم: ارتباط بین تفاوت ارزشی والدین و فرزندان با میزان آنومی: نتایج حاصل از آزمون رابطه دو متغیر تفاوت ارزشی والدین و فرزندان با میزان آنومی نشان داد که علی‌رغم ناچیز بودن ضریب همبستگی بین این دو متغیر (۰/۲۱۳) در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان بر آنومی تأثیرگذار بوده است. ملاحظات بعدی نیز نشان داد که بین نظرهای والدین و فرزندان در باب ارزش‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما تفاوت در ارزش‌های مذهبی والدین و فرزندان در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. در این‌جا نیز فرض H_0 پذیرفته شده و فرض H_1 دال بر عدم رابطه بین این دو متغیر رد می‌شود.

آزمون فرضیه ششم: رابطه مشارکت اجتماعی و آنومی: داده‌های حاصل از آزمون ارتباط بین مشارکت اجتماعی و میزان آنومی حاکی از رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد و نشان می‌دهد که هر چه مشارکت نوجوان در امور اجتماعی افزایش یافته، از میزان آنومی کاسته شده است.

آزمون فرضیه هفتم: نظارت اجتماعی و آنومی: بین دو متغیر نظارت و آنومی رابطه معکوس و معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد، یعنی با ضریب اطمینان بیش از ۹۵٪ می‌توان گفت هر چه میزان نظارت خانواده افزایش یابد، از میزان آنومی کاسته می‌شود و به این ترتیب فرض H_0 مبتنی بر عدم رابطه بین نظارت خانواده و آنومی رد شده و فرض H_1 دال بر وجود رابطه بین نظارت خانواده و آنومی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

نتایج آزمون رگرسیون متغیرهای مؤثر بر آنومی نشان می‌دهد که از بین کلیه‌ی متغیرهای مستقل، متغیرهای مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تفاوت ارزش، جنس و میزان پیوستگی با خانواده با میزان آنومی رابطه‌ی معنی‌دار داشته است. ضریب استاندارد شده‌ی B [۰/۱۱۱] بیانگر این است که در بین متغیرهای



تحقیق، پیوستگی با خانواده بیشترین تأثیر (۳۷/۶٪) را دارد. بدین معنی که هر قدر پیوستگی دانش‌آموزان با خانواده بیشتر باشد، میزان آنومی در آن‌ها کمتر است. متغیر دیگری که در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد، جنسیت (۰/۳۷/۳٪-) می‌باشد. تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان با تأثیر کمتری نسبت به دو متغیر پیشین (۳۳/۹٪-) در مرتبه‌ی سوم قرار می‌گیرد. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مقدار بتای ۰/۲۰/۸٪ در درجه بعدی قرار می‌گیرد و متغیر مشارکت با دارا بودن بتای ۰/۰۹۷ در واقع ۹۷ درصد از تغییرات در میزان آنومی را توضیح می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها:

در این تحقیق کوشش شد مفهوم آنومی در دو بعد عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار گرفته و علل مؤثر بر آن بررسی شود. بدین منظور بر اساس فرضیه‌های تحقیق نوجوانان در قالب پرسشنامه‌ای به سؤالات پاسخ دادند. آمار استخراج شده در مورد سنجش ابعاد مربوط به آنومی نشان داد نوجوانان در بعد فردی و شخصی بدبین و ناراضی نیستند؛ اما ۶۵٪ از آنان نسبت به شرایط اجتماعی موجود ابراز نارضایتی کرده و ۲۶٪ نسبت به آینده‌ی کشور بدبین هستند. میزان آنومی‌های مشاهده شده (۳۵٪) منعکس کننده‌ی وضعیت اجتماعی در بعد فردی و ذهنی است و نشان می‌دهد که شعاع اعتماد افراد نسبت به دیگران کاهش یافته است. در بعد عینی سنجش آنومی، که با رعایت هنجارهای رسمی در سطح مسؤولان، قانون و برخی ادارات مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان داد که ۴۰٪ از پاسخ‌گویان معتقدند قوانین در سطوح مختلف رعایت نمی‌شود، اما اکثریت قابل توجهی از پاسخ‌گویان هنجارهای غیررسمی را رعایت کرده‌اند.

در جمع‌بندی نهایی با توجه به فرضیه‌های تحقیق می‌توان گفت کاهش ارتباط با خانواده، پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، افزایش تفاوت‌های ارزشی بین والدین و فرزندان، پایین بودن میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در فعالیتهای اجتماعی و نارسایی نظارت اجتماعی درونی و بیرونی مانع درونی شدن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شده و موجب آنومی، آشفتگی و بی‌نظمی اجتماعی می‌گردد. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که پیوستگی با خانواده جنسیت و کاهش تفاوت ارزشی بین

والدین و فرزندان بیش از سایر عوامل بر آنومی مؤثر بوده است. به‌طور کلی متغیرهای مذکور به‌انضمام متغیر مشارکت اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان تنها ۴۱/۷٪ از تغییرات ایجاد شده در میزان آنومی را تبیین می‌کنند و ۵۸/۳٪ دیگر از تغییرات توسط عوامل دیگری که در تحقیق حاضر مدنظر قرار نگرفته است تبیین می‌شود.

در پایان پیش‌نهاد می‌شود محققین بعدی عواملی چون تأثیر گروه مرجع، تأثیر استفاده از رسانه‌های گروهی، میزان اعتماد به دولت و حکومت و سیاست‌گذاران مذهبی را به‌عنوان متغیرهای جدید مورد استفاده قرار دهند. هم‌چنین پیش‌نهاد می‌شود تحقیقاتی در مورد تأثیر آنومی بر بی‌هویتی و رابطه متقابل آنومی و کاهش سرمایه‌های اجتماعی صورت گیرد.

منابع:

- رابرتسون، یان: درآمدی بر جامعه، (ترجمه: حسین بهروان)، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۲.
- ساروخانی، باقر: دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
- سربابی، حسن: مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- سرمد، زهره: (و دیگران): روش‌های تحقیق در علوم رفتاری: تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۹.
- میزروچی، ابراهیم هارولد: بیگانگی و بی‌هنجاری (Anomie) «دیدگاه‌های نظری و تجربی» (ترجمه: محمدرضا عطایی)، فرهنگ توسعه، شماره ۱۶، سال سوم، بهمن و اسفند ۷۳
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ: نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، (ترجمه: فرهنگ ارشاد)، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود: روش تحقیق در علوم اجتماعی، (ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر)، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.
- گولد، جولوس و ویلیام ل. کولب: فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه: مصطفی ازکیا، حمیدانصاری و دیگران)، تهران: مازیار، ۱۳۷۶.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا: نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دو، شماره دو، زمستان ۱۳۷۰، بیگانگی

- Atteslander, Peter: (1999) Comparative Anomie Research, Brookfield U.S.A: Ashgate.
- Merton, Robert.K: (1968) Social Theory and Social structure, New York: Free press Enlarged Edition. New York (American publishing Co . PVT.LTD.)
- Orru , Marco: (1987) Anomie History and Meanings. Boston, Allen & Unwin.